

# فهرست

## سر سخن

آسیب‌شناسی مقاله‌نویسی، چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۵)..... ۳-۴

## جستار

حکم آستانه شیخ ابواسحاق کازرونی (۸۲۶ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی ..... ۵-۹

کریم خراسان کیست؟ / سید علی میرافضلی ..... ۱۰-۱۱

زندگی‌نامه منظوم عبدالقادر مراغی به قلم خودش؛ معرفی یک سند، همراه با یادداشتی مقدماتی /

علی فردوسی ..... ۱۲-۱۷

گزارش برگدال از کشف و استرداد نسخه‌های خطی مسروقه کتابخانه سلطنتی / محمدصادق

میرزا ابوالقاسمی ..... ۱۸-۲۲

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده کاغذ ابری / علی صفری آق‌قلعه ..... ۲۳-۳۶

حذف حرف عطف و یکی از ساخت‌های نامأنوس دستوری در شعر کهن / مسعود راستی‌پور ..... ۳۷-۴۱

شاهنامه فردوسی در بافت عصر غزنوی / آ.سی.اس. بیگاک؛ ترجمه: حمیدرضا حکیمی ..... ۴۲-۵۶

فارسی یهودی کهن در میانه فارسی میانه و فارسی دری کهن؛ بازآزمایی یک فرضیه مشهور / لودویگ پاول؛

ترجمه: ستایش دشتی ..... ۵۷-۶۳

کاتب نسبت خرقه شاه‌نعمت‌الله ولی در المشیخه‌خاندان حتمی یزدی / محمدرضا ابوبی مهریزی ..... ۶۴-۶۸

برگی از تاریخ (۲)؛ معرفی نامه‌ای از حسنعلی خان گروسی (امیرنظام) / محمدجواد جدی ..... ۶۹-۷۱

پرده ماده یا پرده یاده؟ / یاسر دالوند ..... ۷۲-۷۳

ثبت کتیبه‌های حکومتی فرهادمیرزا معتمدالدوله در ولایت کردستان / جواد ددهجانی ..... ۷۴-۷۹

تیتی و میتی / ایمان منسوب بصری، حسن زیاری ..... ۸۰

چهارپاره / علی صفری آق‌قلعه ..... ۸۱-۹۴

طاق گز؛ جای‌نامی در خسرو و شیرین نظامی / علی کریم‌زاده ..... ۹۵-۹۶

## نقد و بررسی

بررسی انتقادی تصحیح کفایة الطّب حبیبش تغلیسی / عرفان‌جوینة بهروز ..... ۹۷-۱۱۷

چند انتقاد واجب از فصل دوم کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۱۸-۱۲۲

باز چاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن / محمدابراهیم ایرج‌پور ..... ۱۲۳-۱۳۳

نگاهی دوباره به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زیده‌الافکار (بخش شیراز و نواحی آن) / مرتضی موسوی ..... ۱۳۴-۱۴۱

ملاحظات در فهرس جدید کتابخانه ملی ایران / مصطفی درابنی ..... ۱۴۲-۱۵۳

توضیحاتی درباره دیوان منوچهری به تصحیح سعید شیری و بازنگری در تصحیح برخی ابیات

منوچهری / راهبه آبادیان ..... ۱۵۴-۱۶۶

چاپی نه در خور متن از متنی نه در خور چاپ! / علی شاپوران ..... ۱۶۷-۱۷۴

از کشفیات در اشعار کسایی تا سرقات از یافته‌های ریاحی! / محسن شریفی‌ضحی ..... ۱۷۵-۱۸۰

تکمله‌ای بر مقاله «کهن‌ترین مکتوب تاریخ‌دار فارسی» / سلمان ساکت ..... ۱۸۱-۱۸۲

تصحیح و بازخوانی عباراتی از جواهرنامه نظامی / اکبر حیدریان ..... ۱۸۳-۱۸۶

فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه و مرکز اطلاعات آکادمی علوم مجارستان / مزده محمدی ..... ۱۸۷-۱۹۰

## پژوهش‌هایی در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۳) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی ..... ۱۹۱-۱۹۸

## ایران در متون و منابع عثمانی (۱۷)

زندگی و آثار خورشیدپاشا / نصرالله صالحی ..... ۱۹۹-۲۰۱

## درباره نوشته‌های شمشین

درباره «ولادت خواجه به روایت خواجه» / لیلی وهرام ..... ۲۰۲-۲۰۷



۷۸ - ۷۹

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی دوره سوم، سال دوم، شماره یکم و دوم بهار - تابستان ۱۳۹۶ [انتشار: زمستان ۱۳۹۷]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

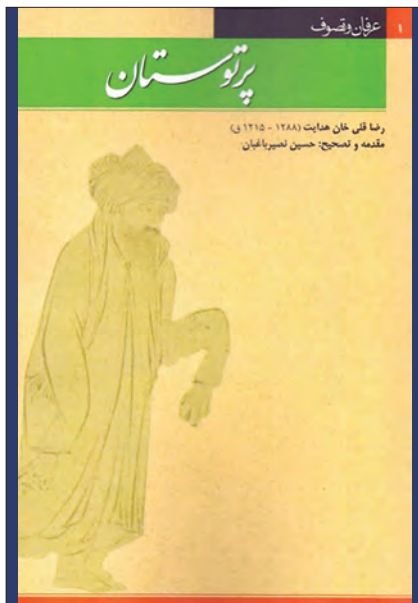
www.mirasmaktoob.ir  
gozresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: انجامه دستنویسی از ترجیع‌بند جامی (نسخه W651 موزه هنری والترز، نستعلیق ممتاز محمدزمان التبریزی، مورخ ۹۹۸ هجری)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands



## بازچاپ پرتوستان یا مصداقی برای خورشید به گل اندودن

محمدابراهیم ایرج‌پور

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور  
irajpour20@yahoo.com

دوباره‌کاری‌ها و کتاب‌سازی‌ها سرداده‌اند (نک. اکبر ایرانی، «آسیب شناسی چاپ متون (۶): دوباره‌کاری‌ها»، گزارش میراث، مهر ۱۳۸۵؛ مجالدین کیوانی، «کتاب‌سازی، آشفته‌بازاری برای نام‌آور شدن»، گزارش میراث، تیرماه ۱۳۹۱) و از آنجا که قول واحد و نظر غالب اندیشمندان در آشنا بر نگارش نقد و معرفی اینگونه آثار و روشنگری در باب این دست آثار مجعول است، نگارنده نیز بر خود واجب دید که قلم به دست گیرد و یکی از نمونه‌های این دوباره‌کاری‌های نامعتبر را معرفی کند.

نگارنده دیرزمانی است که درباره رضاقلی خان هدایت و آثارش مطالعه و تحقیق می‌کند و در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری نیز دو اثر خطی او را تصحیح کرده است،<sup>۱</sup> مستندترین زندگی‌نامه و کامل‌ترین کتابشناخت هدایت را نگاشته<sup>۲</sup> و یکی-دو اثر از رسایل او را نیز به چاپ رسانده است. از جمله این آثار تذکره‌ای است مختصر ولی بسیار مفید و خواندنی به نام «پرتوستان» در شرح احوال عرفای معاصر هدایت، که آن را در اواخر عمر خود، آنگاه که به‌لگگی و تربیت مظفرالدین میرزا به تبریز رفته بود، در سال ۱۲۸۳ ق به رشته تحریر درآورده

۱. در دوره کارشناسی ارشد «پنج موج نخست مثنوی بحرالحقایق» و در دوره دکتری «اصول شانزدهم و هفدهم اصول الفصول فی حصول الوصول» تصحیح شده است که به‌زودی هر دو اثر به چاپ خواهد رسید.  
۲. محمدابراهیم ایرج‌پور، «شناخت‌نامه هدایت»، آینه میراث، ش ۴۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹: ۱۵-۵۴.

پرتوستان. رضاقلی خان هدایت. مقدمه و تصحیح حسین نصر باغبان. تهران: ارمغان تاریخ، ۱۳۹۵.

در عرصه تصحیح متون، مهم‌ترین و بدیهی‌ترین اصل، که نه تنها پژوهشگر و محقق که دانشجوی تازه‌کار و ابجدخوان نیز آن را می‌داند و بدیهی می‌شمارد، تازگی در انتخاب متن و پرهیز از دوباره‌کاری است. چاپ مجدد اثری که پیشتر چاپ شده است، دو معنا می‌تواند داشته باشد: یکی، برداشت عموم اهل علم، که آن را سرقت و انتحال و جعل علمی می‌دانند؛ دیگری، با نگاهی خوش‌بینانه، دوباره‌کاری بی‌ارزش و تکرار ناپسند. تصحیح تکراری، نتیجه هر کدام از این دو انگیزه باشد، مصداق کتاب‌سازی و تزیین حق مصحح پیشین است. البته با ملاحظه شروطی، از جمله یافته شدن نسخه یا نسخ جدید و معتبر که تصحیح پیشین را دگرگون می‌سازد، یا وجود اغلاط فاحش و بسیار در متن چاپ‌شده، تا آن حد که با نگارش نقد و نشان دادن عیوب آن متن اصلاح نپذیرد، تصحیح مجدد امری مقبول و گاه پسندیده است. امروزه حتی در دانشگاه‌ها نیز برای موضوع رساله‌های دانشجویان شرط پرهیز از دوباره‌کاری و ارائه مستندات غیر تکراری بودن موضوع (از جمله گواهی ایراندک) وضع شده است.

کم نیستند دانش‌وران دلسوزی که فریاد و فغان از این

است. هدایت بنا بر نام پرتوستان، هر فصل یا بخش کتاب را «پرتو» نامیده است. کتاب مجموعاً ۵۵ «پرتو» دارد که طی ۲۹ پرتو آن، ۲۹ تن از عارفان و متصوفه شهیر زمان قاجار معرفی شده‌اند و از ۲۶ پرتو دیگر، ۲ پرتو به حکایات مربوط به حاج محمدجعفر کیبورد آهنگی اختصاص دارد و در طی ۲۴ پرتو به کرامات و حکایات مرتبط با میرزا ابوالقاسم سکوت پرداخته شده است. این تذکره همراه یازده رساله دیگر در دفتر چهارم میراث بهارستان (ص ۱۰۴-۱۱۱۸) توسط مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید.

به تازگی دریافتیم که پرتوستان به عنوان کتابی مستقل توسط نشر آرمغان چاپ و به بازار کتاب ارائه شده است. از آنجا که مصحح محترم را از پیش می‌شناختم<sup>۱</sup> و به من هم لطف داشتند، در عالم مجازی ضمن تبریک به ایشان از کتابشان سراغ گرفتم که آیا نسخه جدیدی از پرتوستان به دست آورده‌اند و آیا کار پیشین نگارنده را دیده‌اند یا خیر. تصحیح بنده را دیده بودند و نسخه جدیدی هم در دست نداشتند. متحیر شدم. فرمودند حواشی به متن افزوده شده و سقطاتی در تصحیح نگارنده یافته‌اند که موجب تصحیح و چاپ دوباره این اثر شده است. قرار شد بزرگواری کنند و نسخه ای از آن را برای من ارسال کنند و کردند.

بی‌صبرانه منتظر دیدن این حواشی و شناخت خطاهای خود بودم، چرا که در تصحیح و تحشیه این اثر رنج بسیار برده و به گمان خود حق تصحیح را گزارده بودم. چون کتاب به دستم رسید، هر صفحه که پیش رفتیم بر حیرت و افسوسم افزوده شد، تا آنجا که به ناچار و از سر اجبار قلم به دست گرفتم.

سخن را به دو بخش تقسیم می‌کنم: نخست نگاه کلی به مقدمه و حواشی مصحح و دوم بررسی دقیق این تصحیح تازه. ساختار کلی کتاب چنین است: ۱۵ صفحه مقدمه، ۸۹ صفحه متن و ۱۵ صفحه نمایه. از ۱۵ صفحه مقدمه، ۷ صفحه به زندگی و آثار هدایت اختصاص یافته که یکسره نقل مستقیم از دو کتاب ریاض العارفین و طرائق الحقایق است، ۳ صفحه

۱. ایشان مقاله مغلوپی با نام «زندگینامه خودنوشت حاج زین العابدین شیروانی به همراه یک مراسله و کرسی نامه سلسله نعمت‌اللهیه» (در فصلنامه آینه میراث شماره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۲۸۳-۳۰۵) به چاپ رسانده‌اند که نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «این سلسله که تو داری همه را حیران ساخت» (در دومنامه گزارش میراث، شماره ۶۲ و ۶۳، فروردین-تیر ۱۳۹۳، ص ۱۲۳-۱۱۳) به نقد آن پرداخت.

پایانی مقدمه عکس صفحات آغاز و پایان نسخه و صرفاً ۵ صفحه به قلم مصحح در معرفی پرتوستان، نسخه‌شناسی و روش تصحیح و ویرایش رساله است. پیش از پرداختن به همین ۵ صفحه مقدمه نوشته مصحح، باید اشاره کنم در همین نقل قول مستقیم از ریاض العارفین و طرائق الحقایق هم اغلاط نگارشی یا تایپی وارد شده است؛ برای نمونه «خدمتگزاری» به صورت «خدمتگذاری» (ص هشت) یا «همگنان» به صورت «همگان» (همان) یا «تبرکات» به صورت «تبرعات» نوشته شده است (ص سیزده).

در روش تصحیح و ویرایش نسخه نوشته‌اند:

در میان سطور، برخی عبارات به رنگ شنگرف به متن افزوده شده، که احتمالاً افزوده کاتب است و ما این عبارات را در بین < قرار داده‌ایم. در حواشی نسخه، مطالب مرتبط با متن نوشته شده که به جهت اهمیت تاریخی، این مطالب را در پاورقی با نشانه «حاشیه» آورده‌ایم. (ص هفده)

نخست اینکه بی‌تردید باید افزوده‌های کاتب را به پاورقی برد، نه به متن، آن هم با علامتی معجول مانند <. دیگر اینکه از بدیهیات تصحیح است که مصحح باید افزوده‌های خود را در قلاب [=] قرار دهد و این قولی است که جملگی برآند رک. مایل هروی، ۱۳۷۹: ۴۸۹؛ جهانبخش، ۱۳۸۴: ۶۲؛ اما مصحح، چنانکه نشان خواهیم داد، برای افزوده‌های خود نیز از همین علامت نامعتبر < استفاده کرده است.

مصحح در ادامه مقدمه اشاره می‌کند که تاریخ تولد و وفات عرفا و صوفیه را با استناد به یک کتاب مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان در ذیل هر پرتو ذکر کرده است (ص هجده) و این تنها هنری است که مصحح در ارائه اطلاعات افزون بر متن به خواننده به خرج داده است و لا غیر.

مصحح در آخر مقدمه نوشته است:

پس از تایپ و بازخوانی رساله، متوجه شدم که محقق ارجمند، جناب دکتر محمدابراهیم ایرج‌پور، آن را در مجموعه میراث بهارستان (دفتر ۴) به چاپ رسانده‌اند. ایشان، الحق، به خوبی توانسته‌اند از عهده کار برآیند. لیکن در خوانش متن و تنظیم حواشی، مواردی یافتیم که از قلم ایشان افتاده بود و من، آن موارد را به صورت کامل قرائت کرده و در حاشیه کتاب آورده‌ام. همچنین چاپ حاضر از وجود نمایه‌ها هم برخوردار است. (ص هجده)

آنها اشاره کرده به اجمال معرفی شده، منابع قریب به اتفاق ابیات و اشعار متن - حتی در مواردی که اثری چاپ نشده بوده - با مراجعه به نسخ خطی نشان داده شده، معانی لغات دشوار و دیریاب ذکر گردیده و بعضاً به اشتباهات تاریخی و اشکالات متن و یا آنچه با زندگی هدایت ارتباط داشته، در پانویس اشاره شده است. خواننده خود می‌تواند با مقایسه دو صفحه از دو چاپ به تفصیل فاحش حواشی چاپ پیشین نسبت به چاپ اخیر پی ببرد.

این البته به این معنا نیست که گرد هیچ عیبی بر دامن تصحیح پیشین ننشسته، بلکه انگشت‌شماری بدخوانی و از قلم افتادگی در تصحیح نگارنده بود که از قضا دو سالی است برطرف شده و منابع و مطالب جدیدی یافته و به حواشی و پانویس‌ها افزوده است و بنا داشت با دو رساله دیگر هدایت، سه رساله را با هم به چاپ بسپارد؛ اما ترس نگارنده از اینکه چنین کاری نوعی کتاب‌سازی تلقی شود، کار را به تأخیر انداخت تا اینکه چشمش بر این تصحیح نوظهور افتاد و معنای «فی التأخیر آفات» را بعینه دریافت.

اما از این مقدمه که بگذریم، وقتی به متن پرتوستان دقت کردم حیرت و افسوسم دو چندان شد. تصحیح این متن خود داستان پرآب چشمی است که بدان خواهیم پرداخت «تابیبی که به چندین هنر آراسته است». اغلاط و اشتباهات بسیار مصحح در متن ۹۰ صفحه‌ای این کتاب رقیعی را در پنج بخش دسته‌بندی کرده‌ام: ۱. اشتباه‌خوانی‌ها؛ ۲. افتادگی‌ها (در دو بخش افتادگی‌های متن و افتادگی‌های حاشیه)؛ ۳. جابه‌جایی حاشیه و متن؛ ۴. اغلاط نگارشی؛ ۵. اجتهادهای شخصی نادرست. اولین توقع از این تصحیح تازه، به دست دادن متنی منقح‌تر و صحیح‌تر است، که خواهیم دید اغلاط متعدّد راه‌یافته به متن از برآورده شدن این توقع پیشگیری کرده است.

#### ۱. اشتباه‌خوانی‌ها

● در صفحه ۱۳، در ذیل پرتو ۸، هدایت به ارادت خود به شیخ محمدحسین شیخ‌زین‌الدین و یاران او اشاره کرده‌است:

... به منتسبان این دوده و متمنیان این سلسله اظهار می‌کردم.

این کلمه، به‌قرینه «منتسبان»، باید «متمنیان» باشد، به معنی «آنکه خود را به کسی یا چیزی نسبت کند» (لغت‌نامه). در نسخه

اهل فن، آنگاه که اثری در سال ۱۳۹۰ چاپ شده باشد و مصحح دیگری همان اثر را بدون یافتن نسخه جدیدتر و معتبرتری در سال ۱۳۹۵ بازخوانی، تصحیح و چاپ کند و مثلاً پیش از چاپ به این پی ببرد که ۵ سال پیش همین اثر چاپ شده و به قول همان مصحح منصف، مصحح پیشین «الحق به خوبی توانسته‌اند از عهده کار برآیند»، خود حدیث مفصل را از این بیان مجمل می‌خوانند. اما اینکه گفته‌اند تصحیح پیشین سقطاتی داشته و مصحح آن موارد را خوانده و در حاشیه آورده است، در سراسر این کتاب حتی به یک مورد در متن یا پاورقی اشاره نکرده است که فی‌المثل این کلمه، ترکیب، عبارت، سطر یا پاراگراف در تصحیح پیشین از قلم افتاده بوده و اکنون مصحح این مورد را اصلاح کرده است.

اما اینکه مصحح به حواشی مفصل‌تر خود اشاره کرده، ممکن است به ذهن متبادر کند که در تصحیح تازه، که نسخه تازه‌تری برای توجیه آن وجود ندارد، دست‌کم حواشی و تعلیقات مفید بیشتری خواهیم یافت و این می‌تواند خواننده را برای تصحیح دوباره و تکراری آن قانع کند؛ ولی صد افسوس که اینگونه هم نشده است. آقای نصیر باغبان در پایان این اثر فهرستی از منابع و مراجع خود به دست نداده، که این خود نقصانی است، ولی اگر از صدر تا ذیل تصحیح ایشان دیده شود، مجموعاً به بیش از شش کتاب مراجعه نکرده است. دو اثر که پیشتر به آنها اشاره شد، یکی ریاض العارفین و دیگری طرائق الحقایق، که با نقل مستقیم از آن دو کتاب، زندگی‌نامه و آثار هدایت را عیناً نقل کرده است و اینگونه بار بررسی و پژوهش دقیق‌تر را از دوش خود برداشته است و کتاب دیگر هم همان کتاب مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان که گفتیم به ذکر سال تولد و وفات عارفان از این کتاب اکتفا کرده است؛ غیر از این در پاورقی‌های ایشان یک بار به مجمع الفصحا، یک بار به اصول کافی و یک بار هم به لغت‌نامه دهخدا ارجاع داده است و بس.

این در حالی است که در تصحیح پیشین پرتوستان دقیقاً به ۹۹ منبع مختلف مراجعه و از آنها استفاده شده است، برای هر ۲۹ عارف مذکور در کتاب یک کتابشناسی تقریباً جامع ارائه شده که شرح احوال هر یک از آنان در چه آثار دیگری یافت می‌شود، آثار و کتب متصوفه که هدایت در پرتوستان به

نیز دقیقاً چنین است.

● در صفحه ۱۵ که به شرح احوال حاج محمد جعفر قراگوزلو پرداخته، می‌خوانیم:

جسمش در حوالی سیّد حمزه مدفون شده و کان ذلک فی سنه ۱۲۳۰.

این عدد در نسخه صریحاً ۱۲۳۹ است. اما گفتیم که تنها هنر مصحح در حاشیه‌نویسی، اشاره به سال تولد و مرگ متصوفه بوده و دو صفحه قبل از این، در پاورقی، به سال مرگ حاج محمد جعفر به صورت «۱۲۳۸-۱۱۷۵ق» اشاره کرده است.

● صفحه ۲۳ سطر آخر:

در غایه حال و کمال بوده.

باید «غایت» ضبط می‌شد.

● صفحه ۲۶، پرتو ۱۸، در ذیل احوال حاج محمد خان ساقی: در علوم حکمت طبیعی و قدرت الهی کامل حاصل کرده‌اند.

که صحیح صریح آن در نسخه «طبیعی و الهی قدرت» است. ● صفحه ۳۷، در پرتو ۳۱ که به شرح احوال میرزا ابوالقاسم سکوت اختصاص دارد، در حاشیه نسخه و با خطی متفاوت از متن نسخه حکایت بلندی از ایشان نقل شده که تا دو صفحه بعد نیز در حاشیه ادامه دارد. در خواندن این حاشیه مصحح به کرات دچار اشتباه شده است. از جمله:

از علما عصر فتوی بر قتل آن جناب گرفته باید شد. اینکه مریدان آن جناب هر یک را شوری و لشکری هستند به مدافعت برخیزند و به تنازعات پیش آیند...

در این سطر، مجموعه‌ای از بدخوانی‌ها و جاافتادگی‌ها کاملاً متن را از معنا تهی کرده است. صحیح آن چنین است:

«... قتل آن جناب گرفته، به اندیشه اینکه مریدان آن جناب هر یک را والی کشوری و قائد لشکری هستند...».

در ادامه همین حاشیه:

باری چون بدان گنج و آشیان همدستان به آن آستان که مقصد راستان بود رسیدند...

معنای ابتدای سطر به وضوح مختل است و صورت درست جمله «باری چون بدان کج داستان...».

● در ادامه این رباعی آمده است:

هرکه پوشید چشم از دو جهان  
خانه ملکت جهان چه کند

خانه‌ای را که نی در است و نه بام  
در نگهدارند پاسبان چه کند

که در مصرع دوم و چهارم اشتباه مشهود است. در مصرع دوم «خانه و ملکت» و در مصرع آخر «در نگهدار و پاسبان» صحیح است.

● باز در ادامه داستان:

پیری را دیدند در کنج عزلت نشسته و به عبادت معبود لب از تکلم بسته...

گفتیم حکایت در باب میرزا ابوالقاسم سکوت است و اینجانب عبارت درست «به عادت معهود» است.

● سپس چند بیت مثنوی آورده که بیت سوم چنین است:

لاجرم به ذکر پاکان جنگ کرد  
روزگار خویش بر خود تنگ کرد

که صورت درست مصرع اول چنین است: لاجرم هر کوبه پاکان جنگ کرد.

● در پاورقی صفحه ۳۸ و در ادامه همان مطلب:

چون آن جناب بسیار جسارت اِجْنابین را دید.

که مشخص است باید «اجنبیان» باشد.

● سه سطر پایین تر:

خداوند فرماید: و لا تذروا وزارة و زر اخری.

وجه صحیح آیه «و لاتزر و ازرة و زر اخری» است. ضمناً هیچ یک از آیات در این تصحیح ارجاع ندارند.

● و باز در همین حاشیه و دو سطر پس از آیه پیشین:

ای عجب بر شما که به کشتن من کمر بسته‌اید در نیسته‌ام که... چگونه کسانی که به ارادت میان شدند در بندم، چگونه در به رخ دوستان بست کسی که در به رخ دشمنان نماید باز؛ ای دیوانه. معاندین جواب نداشتند.

در این فقره اخیر چندین هنر تصحیحی را شاهدیم که به ذکر آنها می‌پردازیم. نخست اینکه در جای سه نقطه‌ای که مصحح نتوانسته آن را بخواند عبارت «فتوت نیست» نوشته شده. دیگر اینکه مصحح باید اصول نگارش معیار را رعایت می‌کرد و در



این «تا» اشتباه است و باید به «ما» بدل شود.

• صفحه ۴۹ در ذیل پرتو ۳۶:

تا دانستیم که...

در نسخه و بنا بر معنای جمله «دانستم» است.

• صفحه ۶۱ جمله پایانی در پرتو ۴۲:

خداوند دیده جان‌ها را قوتی عطا فرماید.

در نسخه فعل جمله شکل درست، یعنی دعایی، دارد: فرماید.

• صفحه ۶۷ غزلی از هدایت نقل شده که مصراع اول بیت چهارم آن چنین است:

در حقیقت عجب از جز تو ببیند خیری

«چیزی» صحیح است و در دیوان هدایت نیز چنین است (دستنویس ش ۷۸۸۳ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۲۷۷ق، ص ۸۹).

• صفحه ۷۲:

در سلک بندگان آن حضرت خرید.

«خزید» درست است.

• صفحه ۷۴ در پرتو ۵۲:

حاجی محمدحسن ما هم چندی شوق تحریر مثنویات داشت.

این شخص که جانشین میرزا ابوالقاسم سکوت است «حاجی محمدحسین» نام دارد و از قضا در صفحه ۷۸ در پرتو ۵۶ نیز به شرح احوال او پرداخته شده و آنجا نام او درست ضبط شده است.

• صفحه ۷۹:

... چرا گوشه‌گیر و به نماز مسجد حاضر نشود.

در نسخه «گوشه‌گیر و» آمده است.

• صفحه ۸۱ در ضمن مثنوی حسینی قزوینی بیت سوم صفحه مصراع دوم:

نشان در وی چه وی در بی نشان گم

معمول است که در کتابت گاه «چو» را به شکل «چه» می‌نویسند، به‌ویژه در عصر قاجار. در متن باید «چو» نوشته شود.

• در همین صفحه ۸۱ این بیت را می‌خوانیم:

هستی و نیستی که عین همد

ذات وصف خدای ذوالمنند

نگارش «کسانی که» از اصل جلدنویسی پیروی می‌کرد. مشکل دیگر اینکه جمله «به ارادت میان شدند» چه معنای دهد؟ شکل درست این جمله چنین است: «به ارادت میان بندند». اما آنچه در ادامه به شکل چند جمله نوشته شده، در واقع یک بیت شعر است که البته در مصراع اول آن هم یک کلمه افتاده است:

چگونه در به رخ دوستان تواند بست

کسی که در به رخ دشمنان نماید باز

اما آخرین مورد از اشکالات این بخش، ترکیب «ای دیوانه» است که پیداست هیچ مفهومی به متن نمی‌افزاید و چون وصله‌ای ناهمگون می‌نماید. گفتیم که این بخش حکایتی است طولانی که در حاشیه چند صفحه از پرتوستان نوشته شده است. کاتب این حکایت چون از همه اطراف هاشم نسخه استفاده می‌کند و بخش اخیر را در ذیل صفحه می‌نویسد و چون صفحات نسخه دارای رکابه است، مصحح فاضل به اشتباه عبارت «ای دیوانه» را که رکابه بوده - با آنکه جهت نگارشش هم با بقیه حاشیه متفاوت است - جزء حاشیه پنداشته و وارد متن حاشیه کرده است.

• آخرین مورد از این حاشیه پر حاشیه:

از سخنان آن چندی است که...

و این «چندی» نامرتب در اصل «جناب» است.

• صفحه ۳۹ در اواسط صفحه دو بیت آمده است:

هرکه را خواهند خواهد هر که را جویند جوید  
هرکه را خوانند آید هرکه را آرند پوید

اساساً یکی از مشکلات عمده مصحح محترم این است که اطلاعات لازم و مهارت کافی در زمینه شعر و اوزان شعری ندارد. دیدیم که بیت را به شکل متن منثور نوشته بود و غیر از فقره اخیر نمونه‌های دیگری نیز نشان خواهیم داد. اما در مورد دو بیت بالا، مصحح یک بیت بلند با وزن دوری را به اشتباه به دو بیت بدل کرده است.

• صفحه ۴۰ و در ذیل پرتو ۳۲:

شیمه‌ای از رایحه توحید.

که «شمه» درست است.

• صفحه ۴۵:

با مانه در آمیخت تا گاهی به او...

گفتم که مصحح غالباً در اشعار ضعیف عمل کرده و اینجا نیز به مشکل قافیه پی نبرده است. قافیهٔ مصرع دوم، آنگونه که در نسخه نیز قابل تشخیص است، «ذوالنعم اند» است.

● صفحهٔ ۸۲، بیت اوّل، مصرع نخست:

او نهد خِصوان و او چشاندِمان

«چشاند نان» صحیح است.

● در همین صفحه که هدایت به نقل اشعار حسینی قزوینی در قالب مثنوی پرداخته است، کاتب مصرع دوم یکی از ابیات را ننوشته است و چون اشعار را پشت سر هم می‌نوشته‌اند، مصحح این مصرع را به وسط صفحه آورده و متوجه و متذکر نشده است که اینجا یک مصرع از قلم کاتب افتاده است.

● صفحهٔ ۸۲، مصرع نخست بیت سوم:

از در او مَنناز بر در غیر

که درست آن «مناز» است.

● باز در مصرع نخست بیت چهارم:

ور دلت مبتلای و چنبر اوست

مصحح واو عطف را که در نسخه نیست از خود بین مصرع افزوده که باید حذف شود.

● اهل فن می‌دانند که در کتابت نسخ خطی «ی» نکره یا مخاطب در آخر کلمات منتهی به «ه» غیرملفوظ یا نوشته نمی‌شده یا به صورت همزهٔ کوچک جانشین یاء نشان داده می‌شده است. مثلاً «خانه‌ای»، که مصحح باید تشخیص دهد و گاه آن را به صورت «خانه‌ای» بنویسد. در صفحهٔ ۸۲ بیت هفتم مصرع دوم و در صفحهٔ ۸۳ بیت چهارم مصرع اول که وزن هر دو بیت اشکال دارد باید به ترتیب «نغمه» و «دیده» به «نغمه‌ای» و «دیده‌ای» تبدیل شود.

● صفحهٔ ۸۳ بیت ۵:

دیده و حضور دوست کسی

عشق باز و به نام او نفسی

صورت درست «دیده‌ای در» و «عشق باز به» است.

● صفحهٔ ۸۴:

در منزل درویشانه دعوت می‌کردمی

در نسخه «دعوت کردمی» است.

● صفحهٔ ۸۵:

طالب آمدن به این منزل شدم

شکل درست فعل در نسخه «منزل شد».

● صفحهٔ ۸۶ بیت سوم مصرع نخست:

آوخ که در سیاهی دل نیست آن خضر

که ناگفته پیدا است که درست آن «آب خضر» است.

● در صفحهٔ ۸۷ و در ذیل احوال آگه شیرازی:

آن جناب در حدود سنهٔ ۱۲۴۲ در شیراز رحلت فرمود.

آنگونه که در نسخه به وضوح آمده و دیگر منابع احوال آگه شیرازی آورده‌اند وفات او در «۱۲۴۴» واقع شده است.

● صفحهٔ ۸۸:

به هر مدتی نسخه می‌نگاشته

در نسخه «نسخی می‌نگاشته» است.

● صفحهٔ ۸۸ بیت دوم از قصیده وصال مصرع نخست:

جهان را نیز لامع خدا را مظهر جامع

ضبط درست چنین «نیر لامع» است.

● صفحهٔ ۸۹. در حاشیهٔ پایانی کتاب، که به قلم کاتب اصلی نوشته شده است، هم اغلاط فراوانی مشاهده می‌شود؛ از جمله: به جای «عرش رسولات» عبارت «عزت و سعادت»، به جای «الفخام» کلمهٔ «انضمام»، به جای «... یوفی» عبارت «لایوفی»، به جای «داخلا» کلمهٔ «و اخلاقه»، به جای «بدر الشافی» کلمهٔ «السامی»، به جای «جمیدی الثانی» عبارت «جمادی الثانی» باید جایگزین شود.

## ۲. افتادگی‌ها

از آنجا که یکی از اشکالاتی که مصحح از تصحیح پیشین پرتوستان گرفته بود، این بود که «در خوانش متن و تنظیم حواشی، مواردی یافتیم که از قلم ایشان افتاده بود و من، آن موارد را به صورت کامل قرائت کرده و در حاشیهٔ کتاب آورده‌ام» (ص هجده) این انتظار می‌رود که در این زمینه تصحیح اخیر از هر گونه عیب و اشکالی مبرا باشد. ولی مطالعهٔ دقیق و مطابقت با نسخه نه تنها خلاف این امر را نشان می‌دهد، بلکه به نسبت ۹۰ صفحهٔ رقیعی کتاب، حجم انبوهی از افتادگی‌ها را در متن و حاشیهٔ آن می‌توان یافت، که به آنها اشاره می‌شود.

## ۱. ۲. افتادگی‌های متن

● صفحه ۱۳ در پرتو ۸، درباره خبر درگذشت حاج محمدحسین اصفهانی می‌نویسد:

علی‌الجملة مرا ایام بعد سفری مسموع شد...

در این مورد هم افتادگی در متن و هم در حاشیه دیده می‌شود. جمله در نسخه چنین است: «علی‌الجملة عمّان مرا بعد سفری مسموع شد». غیر از افتادگی کلمه «عمّان» در متن، در نسخه، بالای این کلمه به رنگ شنگرف با خط ریز نوشته شده: «اعمام»؛ این کلمه که توضیح عمّان بوده هم در حاشیه ذکر نشده. از این موارد که بگذریم، در نگارش این سطر کاتب گویا دچار خطی شده باشد، چرا که عمّان، به معنی عموها، در جمله و ساختار متن مفهوم محصلی به دست نمی‌دهد. با مطالعه زندگی هدایت در می‌یابیم که او در جوانی خود سفری به دریای عمان داشته و از این سفر خود در آثار مختلفش یاد کرده است. با این توضیح، سیاق جمله باید اینگونه باشد: «علی‌الجملة مرا بعد سفر به عمّان مسموع شد».

● در صفحه ۱۹:

میرزا علیرضا و میرزا عبدالحسین از فقرای آن عهد بودند.

در نسخه به رنگ شنگرف بالای میرزا عبدالحسین کلمه «کازرونی» اضافه شده که در متن نیامده است.

● صفحه ۲۰ سطر اول:

میرزا عبدالنبي - رحمة الله - ...

«علیه» را در جمله دعایی از قلم انداخته است.

● همین صفحه، سه سطر پایین تر:

هنوز در قید حیات است و مرجع ارباب طلب.

در نسخه «... مرجع ارباب طلب و کمالات» است، که با این هیأت، میان «حیات» و «کمالات» سجع ایجاد می‌شود.

● صفحه ۲۹:

اکنون سالی بگذشته که حاج زین‌العابدین زین‌العابدین ثانی وفات یافته.

در این سطر بدخوانی با جا افتادگی توأمان دیده می‌شود. در نسخه چنین است: «اکنون سالی یک دو شد که...».

● صفحه ۳۰، ضمن احوال میرزا نصرالله اردبیلی:

میرزا به تغسیل او تخصیص یافت.

در نسخه «میرزای مذکور به تغسیل...» است.

● صفحه ۵۱، پرتو ۳۸:

هدیه برای صاحب خانه در پیش میرزا نهادند و به اصرار صاحب خانه میرزا معدودی از آن تناول کرد.

در نسخه چنین است: «هدیه برای صاحب خانه آوردند و به حکم صاحب خانه در پیش میرزا نهادند و...». چون در این دو سطر چند بار صاحب خانه تکرار شده، یک جمله، به علت شتابزدگی، از چشم مصحح پنهان مانده است.

● صفحه ۵۵:

به کویی رسیده و درب خانه‌ها دید.

در نسخه: «درب‌های خانه‌ها دید».

● صفحه ۶۰:

دفتر صوفی سواد حرف نیست.

صورت درست، که در نسخه هم هست: «سواد و حرف».

● صفحه ۶۶:

در میان این دو برادر مخالفتی بوده است.

در نسخه: «برادر مگر مخالفتی».

● صفحه ۷۴:

چون به خانه آمدم...

در نسخه: «خانه باز آمدم».

● صفحه ۸۶ مصرع دوم از بیت پایانی غزل هدایت:

می خور که کار جمله از فریب نیست

اگر مصحح به وزن شعر هم توجه می‌کرد کمبود کلمه یا کلماتی را در می‌یافت. در نسخه: «جمله به غیر».

## ۲. ۲. افتادگی‌های حاشیه

پیشتر از قول مصحح نقل کردیم که ایشان کمبودهای تصحیح پیشین پرتوستان را جبران کرده و افتادگی‌های متن و حاشیه را به دقت نقل کرده‌اند. افتادگی‌های متن را نشان دادیم و اینک از قلم افتاده‌های حاشیه را خواهیم دید. با این توضیح که مصحح حاشیه‌های متن را، که غالباً توضیحات کاتب است، در پاورقی ذکر کرده و جای خالی موارد زیر، که در پاورقی نیامده، در تصحیح ایشان دیده می‌شود.



● در صفحه ۳ پایان پرتو ۱ و صفحه ۳ نسخه، در کنار کلمه ریاض العارفين، حاشیه بلندبالایی با خطی متفاوت از متن نوشته شده که مصحح آن را در پاورقی ذکر نکرده است:

ریاض العارفين کتابی است که جامع این رساله شریفه جمع فروده و الحق داد سخنوری و حقایق گسترده داده و عرفای متقدمین و معاصرین خود را احیا فرموده و بر عالم و عالمیان منت نهاده و ابواب فتوح کلی به روی سالکین طریق حق گشاده و مانند کسی در این ازمنه به این تمامی و درستی کتابی ننوشته، جزاه الله خیراً عن جمیع المذکورین فی هذا الکتابین جزاء جزایلا و ابقاه الله تعالی و مدّ ظلّه السّامی العالی علی مفارق عباد.

چنین حاشیه‌ای را نادیده انگاشتن و در پاورقی ثبت نکردن موجب شگفتی است.

● صفحه ۱۳ کتاب و ۱۰ نسخه، کنار پرتو ۸ با شنگرف نوشته: «واقعات جامع، مدّ ظلّه العالی و احوال او ادام الله سعادت».

● در همین صفحه ۱۳ و ۱۰ نسخه در کنار سطر که به اسم «کبود آهنگ» اشاره کرده نوشته است: «اسم قریه‌ای است».

● در صفحه ۲۴ کتاب که صفحه ۱۸ نسخه است، در حاشیه صفحه و چسبیده به کلمه «ریاض» نوشته است: «العارفين، کتابی از جناب عالی القاب، خان والاشان علیقلی خان المتخلص بالهدایت، دام مجده و مدّ ظلّه العالی علی مفارق العباد». البته کاتب یا نویسنده این حاشیه، در این جملات یا نام رضاقلی خان را به اشتباه نوشته است یا کتاب را به اشتباه به علیقلی خان پسر هدایت انتساب داده است. به هر روی جای خالی این حاشیه و این توضیحات در پاورقی مشهود است.

● در صفحه ۴۹، در کنار پرتو ۳۵ نوشته شده است: «قال المؤلف، دام ظلّه العالی».

● صفحه ۷۰، در آخر پرتو ۴۸ به شیوه‌ای ریاضت‌گونه از خوابیدن و ذکر گفتن صوفیان اشاره می‌کند و در حاشیه نوشته است: «به زبان فارسی راه‌خسب گویند».

● اگرچه اینجا به حاشیه‌های جاافتاده پرداخته شد، ولی به‌خاطر اینکه حاشیه‌ها در پاورقی درج شده است و توضیحات مصحح، که گفتیم فقط به درج سال تولد و وفات افراد محدود شده، نیز در پاورقی آمده است، جا دارد یکی دیگر از اشکالات پرتکرار این تصحیح را در اینجا یاد کنیم. مصحح در نقل سال‌ها، تولد را در سمت چپ و بعد از خط تیره سال وفات

افراد را ذکر کرده است، برای نمونه: «شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، ۱۲۵۳-۱۱۹۴ق» (ص ۲۸). اما هر گاه سال تولد کسی را به دست نیاورده و فقط سال درگذشتش را یافته است، سال وفات را سمت چپ و بعد از خط تیره علامت سوال گذاشته است. برای نمونه: «بنابی، عباسعلی، ؟-۱۲۶۰ق» (ص ۳۳). در این شیوه نادرست اگر خواننده سال‌ها را به سیاق دیگر پاورقی‌ها در نظر بگیرد، چنین گمان می‌کند که طبق معمول سال تولد در سمت چپ ذکر شده و سال درگذشت آن فرد، که با علامت سؤال مشخص شده، نامعلوم است. در حالی که مصحح به اشتباه و بر خلاف شیوه معمول خود، هر کجا سال تولد را به دست نیاورده، اول سال درگذشت را نوشته و پس از خط تیره علامت سؤال گذاشته است. این اشتباه در صفحات متعددی از کتاب دیده می‌شود (نک. ص ۷، ۲۰، ۲۱، ۳۳، ۵۱، ۵۲).

### ۳. جابه‌جایی حاشیه و متن

یکی دیگر از مشکلاتی که در تصحیح اخیر پرتوستان به چشم می‌خورد، ورود برخی از حواشی کتاب به متن است. در گذشته معمول بوده است که اگر کاتب کلمه یا حتی جمله و جملاتی را در نگارش متن فراموش می‌کرده، آنها را در حاشیه می‌نویشت و البته با علامتی، غالباً به شکل «لا»، در داخل متن محل افزودن آن حاشیه را مشخص می‌کرده است. البته مصححان زبردست می‌دانند که در نسخی که توسط کاتب یا دیگران حواشی متفاوت و مرتبط با متن در آنها نوشته شده، باید احتیاط بسیار در ورود این مطالب به متن به خرج داد و میان حاشیه جاافتاده از متن و حواشی مرتبط به متن نوشته شده توسط کاتب یا دیگران تفاوت قائل شد. پرتوستان از جمله نسخی است که در حاشیه آن به قلم کاتب نسخه یا دیگران مطالب متفرقه و مرتبط با متن نگاشته شده است و متأسفانه مصحح گاه بدون دقت در این موضوع حاشیه را به متن وارد کرده است. همچنین در مواردی مصحح در قرار دادن شماره مربوط به پاورقی بالای کلمه یا عبارات اصلی بی‌مبالاتی کرده و با این کار حاشیه مربوط به یک کلمه یا یک شخص را با قرار دادن نادرست عدد بر روی کلمه یا شخص دیگری بی‌اعتبار کرده است. اینک نمونه‌های آن:

● در صفحه ۴ نسخه و ۵ کتاب، هدایت ضمن شرح احوال حاج عبدالوهاب نایینی و میرزا ابوالقاسم سکوت، حکایتی با

محمد نیریزی - علیه الرحمة - رسیده.

در حاشیه سطر اول این بخش نوشته شده است: «یعنی جناب مولانا محمد اسماعیل قدس سره العزیز». مصحح به جای آنکه عدد پاورقی مربوط به این حاشیه را در بالای کلمه «جناب» قرار دهد، آن را در آخر جمله و بر بالای «رسیده» گذاشته است. ضمناً در نسخه «عالم شاه هندستانی» است که مصحح صفت این شخص را به «هندستانی» بدل کرده است.

● صفحه ۲۴ در پایان پرتو ۱۵ که صفحه ۱۸ نسخه می شود، باز با خطی متفاوت از متن در حاشیه آمده است: «بعد از مدتی در آنجا مدفون شده - رحمة الله علیه - فی سنة اثنان و ثلاثین و مأتین و الف بعد الهجرة النبوية، ۱۲۳۲». مصحح باز حاشیه را به متن برده، علاوه بر آنکه «رحمة الله علیه» را هم از قلم انداخته است.

● در صفحه ۳۱ پرتو ۲۶، ضمن معرفی خاکی خراسانی آمده است: «از مریدان مسکین شاه هندی ایرانی». کلمه «ایرانی» بالای سر «هندی» نوشته شده و پیداست که از نظر کاتب این کلمه جزء متن بوده است، و گرنه آن را در حاشیه متذکر می شد. مصحح این کلمه را به پاورقی برده و «هندی ایرانی» را که در متن نوشته شده به حاشیه نسبت داده است.

#### ۴. اغلاط نگارشی

از جمله وظایفی که بر عهده مصحح است، برگردان رسم الخط کهن به شیوه خط معیار امروزی است. اگرچه در برخی قواعد نگارشی اختلافاتی میان صاحب نظران وجود دارد و اجماعی عمومی در برخی شیوه های رسم الخط و نگارش نیست، ولی بسیاری از قواعد امروز ثابت و تعیین شده است. بی اطلاعی از این موارد و رعایت نکردن این قواعد در تصحیح، از اشتباهات بزرگ هر مصحح محسوب می شود که گاه باعث از بین رفتن کلی اعتبار متن خواهد شد. متأسفانه در تصحیح اخیر پرتوستان نیز چنین نمونه هایی را شاهدیم که به برخی از آنها اشاره می شود:

● کاتبان دستنویس های قدیم، به ویژه پس از عهد مغول، تفاوت چندانی میان «گذاردن» و «گزاردن» قائل نبوده اند و مکرر این دو را به جای هم نوشته اند. در صفحه ۴۵ «حج گزاردن» و در صفحه هشت از مقدمه «خدمت گزار» نادرست

عنوان «گویند» آغاز کرده که کاتب یا دیگری با خطی متفاوت در حاشیه آن نوشته است: «حکایت لطیفه شریفه». این مطلب حاشیه ای، در تصحیح اخیر، نه تنها به متن آمده، بلکه با فونت پررنگ (bold) به شکل یک عنوان در متن نشسته است.

● در صفحه ۱۸ و در پایان پرتو ۹ که مربوط به میرزا محمد تقی کرمانی است، مصحح شماره زده و مطلبی را که در حاشیه مربوط به پرتو بعدی بوده است و در آن درباره قاتل معطر کرمانی سخن رفته، به اشتباه در پرتو قبل و درباره محمد تقی کرمانی ذکر کرده است.

● صفحه ۲۰، پرتو ۱۳ اینگونه آغاز شده است:

زیده السالکین آقا میرزا بابای بن میرزا عبدالنبی - رحمة الله - صبیبه زاده جناب آقا محمد هاشم ذهبی بوده - الموسوم بمیرزا ابوالقاسم الحسینی - ادام ظلّه تعالی -.

با مشاهده صفحه ۱۵ نسخه می توان دید که «الموسوم بمیرزا ابوالقاسم...» چسبیده به میرزا عبدالنبی و در حاشیه نوشته شده و مصحح به میل خود این عبارت را در جای نامعتبر قرار داده است، صورت صحیح این بخش چنین است: «زیده السالکین آقا میرزا بابای بن میرزا عبدالنبی - رحمة الله علیه - الموسوم بمیرزا ابوالقاسم الحسینی - ادام ظلّه العالی - صبیبه زاده جناب آقا محمد هاشم ذهبی بوده». ضمناً در متن «علیه» در عبارت «رحمة الله» که از قلم افتاده بود و «العالی» به جای «تعالی» که مصحح اشتباه خوانده است اصلاح شد.

● صفحه ۲۱، پرتو ۱۵ در احوال محمد اسماعیل ازغدی، حاشیه ای بلند در ۷ سطر با خطی متفاوت از متن آمده که آغاز و پایان آن چنین است: «و آن جناب بعد از وفات... رحمة الله علیهما». در کنار این حاشیه بلند یا در متن نسخه هیچ علامت و نشانی از جا افتادگی نیست، ولی مصحح آن را، به جای نوشتن در پاورقی، در متن وارد کرده است.

● در پایین صفحه ۲۲ بیتی از مولانا آمده است که با مراجعه به صفحه ۱۷ نسخه این بیت را با خطی متفاوت در حاشیه می بینیم، ولی مصحح آن را به اشتباه وارد متن کرده است.

● در صفحه ۲۳ که به احوال محمد اسماعیل ازغدی مربوط است می خوانیم:

و آن جناب کمال ازادت به جناب قطب الاقطاب سید عالم شاه هندوستانی داشته و به صحبت خلفای سید قطب الدین

است و این دو کلمه را باید با «گزاردن» به کار برد.

● امروزه تقریباً همگان تفاوت میان «خواستن» و «خاستن» را می‌دانند، ولی در رسم الخط قدیم این تفاوت را چندان دقیق رعایت نمی‌کرده‌اند. در این تصحیح نیز در صفحات ۲۸، ۵۷ و ۷۱ باید صیغه‌های مختلف مصدر «خواستن» به «خاستن» تبدیل شود.

● تفاوت میان دو جمله دعایی نزدیک به هم «رحمه الله» و «رحمة الله علیه» در صفحات ۷۰، ۸۳ و ۸۹ رعایت نشده است.

● «باز نه ایستادی» در صفحه ۵۳ باید به صورت «بازنایستادی» نوشته شود.

### ۵. اجتهادهای شخصی نادرست

افزودن، کاستن و تغییر متن نسخه مگر در شرایط ضروری، آن هم با توضیح علت تغییر در مقدمه یا پاورقی، به هیچ روی جایز نیست. در تصحیح جدید پرتوستان نمونه‌هایی از این تغییر در کلمات و حتی ساختار اثر را شاهدیم که بدان اشاره می‌شود:

● صفحه ۱۳ به احوال عارف نامدار قاجاری، حاج محمدجعفر کبودرآهنگی، اختصاص دارد. هدایت نقل می‌کند که در واقعه‌ای به روستای ایشان رفته و او را در خواب زیارت کرده است. در متن آمده است:

به کوچمه‌ها و خانه‌ها گذشتیم و به کبودرآهنگ که منزل مخصوص آن جناب بود در آمدیم.

مصحح بالای «کبودرآهنگ» شماره زده و در پاورقی نوشته است: «اصل: کبودرآهنگ». نام این مکان از گذشته تا امروز «کبودرآهنگ» بوده و هست. حال اینکه چرا مصحح نام درست موجود در متن را به حاشیه برده و نام نادرست را در متن قرار داده نامعلوم است. مایه تعجب این است که در صفحه قبل نام «کبودرآهنگ» با همین هیئت در متن به کار رفته و مصحح نیز آن را تغییر نداده است.

● یکی از دخالت‌های بیجا و کاملاً نادرست مصحح در صفحه ۳۱ صورت گرفته است. در اینجا هدایت بدون اختصاص و افزودن «پرتو» در متن، که حکم فصل و باب را دارد، به شرح احوال ملا محمد کابلی پرداخته است و مصحح در علامت اختراعی خود (<>) یک «پرتو» به متن افزوده و با این کار ساختار پرتوستان را که مجموعاً ۵۵ پرتو داشته به ۵۶

پرتو مشتمل ساخته است. ایشان در مقدمه و توضیح پشت جلد و سایت‌های خبری، همه جا، تعداد پرتوهای پرتوستان را، که گفتیم حکم فصل و باب کتاب را دارد، به اشتباه ۵۶ پرتو معرفی کرده است. مصحح اگر دقت بیشتری به سیاق کتاب می‌کرد، می‌دید که در اواخر پرتوستان نیز هدایت به شرح احوال کسانی چون حسینی قزوینی و وصال شیرازی پرداخته، ولی به آنها پرتوی جداگانه اختصاص نداده است.

● صفحه ۳۲ در اواخر شرح حال خاکی خراسانی می‌خوانیم: فقیر را با وی خلوصی بوده، در هزار و دو بیست و سی و چهار <۱۲۳۴> رحلت یافته است.

در این جمله، افزودن این عدد که در نسخه نیز وجود ندارد، با این شکل و شمایل، چه معنا و چه علتی می‌تواند داشته باشد؟! عجیب‌تر اینکه با وجود تصریح هدایت به سال درگذشت خاکی خراسانی، که از معاصران و معاشران او بوده، باز هم مصحح در پاورقی که تنها به سال مرگ و تولد افراد اشاره می‌کند، نوشته است: «وفات: ۱۲۳۴-۱۲۳۶ ق؟».

● در صفحه ۳۶، پرتو ۳۱:

قطب‌الموحیدین جناب حاج میرزا ابوالقاسم شیرازی <متخلص به سکوت>.

نیمی از پرتوستان در شرح احوال و کرامات میرزا سکوت شیرازی است، پس چه علتی دارد که در متن چنین چیزی افزوده شود؟ از این گذشته سکوت لقب میرزا ابوالقاسم بوده و نه تخلص وی. به او، که اسوه سکوت و کم‌سخنی بوده، شعری نسبت نکرده‌اند که او را «متخلص به سکوت» بخوانیم. نکته دیگر این که هدایت در همین پرتوستان نحوه درگذشت میرزای سکوت را پس از بیماری کوتاه مدت شرح کرده است (ص ۷۶) و جای شگفتی است که مصحح در پاورقی مربوط به میرزا سکوت نوشته است: «مقتول ۱۲۳۹ ق».

● صفحه ۴۹ در آخر پرتو ۳۶ آمده است:

حکیم سنائی فرموده؛ نظم:

ذکر جز در ره مجاهده نیست

ذکر در مجلس مشاهده نیست

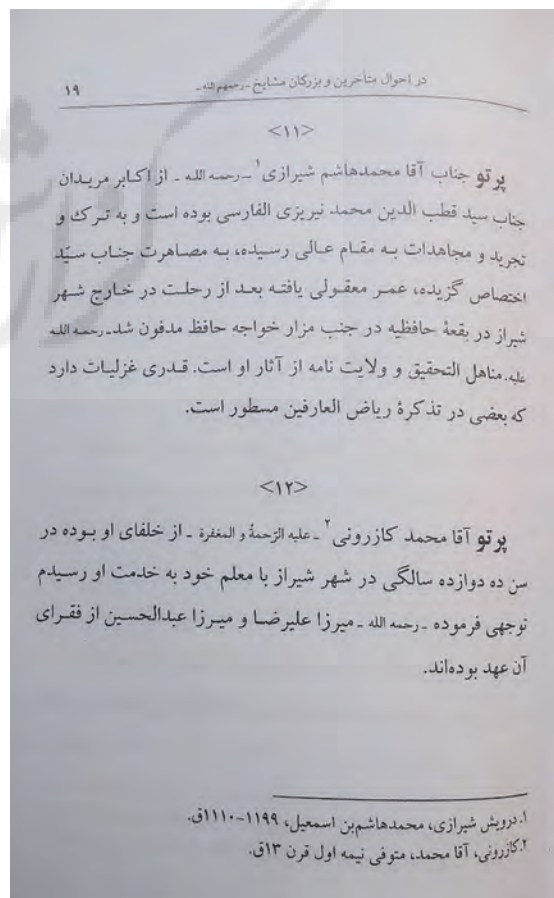
مصحح بالای بیت شماره گذاشته و در پاورقی توضیح داده: «سنایی»؛ یعنی آنچه خود هدایت در متن بدان اشاره کرده است. نگارش دو گونه «سنائی / سنایی» نیز جالب است.



● در سطر پایانی صفحه ۶۵ می‌خوانیم:

از دور و نزدیک و ترک و تاجیک قصد خدمتش کردند.

مصحح بالای «تاجیک» شماره‌گذاری کرده و در پاورقی نوشته است: «اصل: تازیک». کاش مصحح، اگر تاریخ بیهقی یا مقاله ممتع مرحوم مینوی به نام «ترک و تازیک در عصر بیهقی» را نخوانده بود (مینوی، مجتبی (۱۳۵۰). «ترک و تازیک در عصر بیهقی». یادنامه ابوالفضل بیهقی: ۷۱۳-۷۲۶)، دست‌کم به لغت‌نامه دهخدا مراجعه می‌کرد تا می‌دید که «تازیک» نیز در زبان فارسی معمول و رایج است. باید یادآوری کنم در تبدیل «تازیک» به «تاجیک» یا «کبودآهنگ» به «کبوترآهنگ» مصحح همچون کاتبان قدیم عمل کرده است که هرگاه به کلمه دشوار یا کمترشنیده‌شده‌ای می‌رسیدند، آن را به واژه معروف و رایج در زمان خود بدل می‌کردند. اینک تصویر یک صفحه از تصحیح اخیر پرتوستان و تصویر همان مدخل‌ها در تصحیح پیشین:



۱۰۶۲ میراث بهارستان (۴)

رسیده<sup>۱</sup>، در امامزاده نصرالدین مدفونش کردند -رحمة الله علیه. (۱۴) خوب گفته‌اند.

نظم

آنسان که ره عشق گزیدند همه در کوی شهادت آریدند همه  
در معرکه دوگون فتح از عشق است بسا آن که سپاه او شهیدند همه

۹. پرتو: جناب آقا محمد هاشم شیرازی<sup>۱</sup> -رحمة الله- از اکابر مریدان جناب سید قطب‌الدین محمد نیریزی الفارسی بوده است و به ترک و تجرید و مجاهدات به مقام عالی رسیده، به مصاهرت جناب سید اختصاص گزیده، عمر معقولی یافته. بعد از رحلت در خارج شهر شیراز در بقعه حافظیه در جنب مزار خواجه حافظ مدفون شد -رحمة الله علیه.

مناهل التحقيق<sup>۲</sup> و ولایت نامه<sup>۳</sup> از آثار او است. قدری غزلیات دارد که بعضی در تذکرة

→

الغراء، ج ۲، صص ۱۰۴۶-۱۰۴۵؛ طرائق الحقایق، ج ۳، صص ۲۰۹-۲۱۰؛ ریاض العارفين، ص ۵۱۶؛ مدینة الادب، ج ۱، ص ۳۹۰؛ تاریخ سلسله‌های طریقه نعمت‌الهدیه در ایران، ص ۸۳؛ تاریخ عرفان و عارفان، صص ۶۸۱-۶۸۲؛ مکرم الآثار، ج ۳، صص ۶۳۵-۶۳۸؛ تذکرة شعراء کرمان، صص ۲۱۸-۲۱۹؛ تذکرة شاعران کرمان، صص ۴۷۷-۴۷۸؛ گزارا جوادان، ج ۳، ص ۱۳۷؛ شرح حال رجال ایران، ج ۶، ص ۲۶۷ (حاشیه).

۱. در حاشیه به رنگ شکرگرف: همان قاتل جناب حاج محمد حسین بن زین‌الدین قاتل معطر علیشاه هم او است. در حضور پادشاه عصر ضربت زده، نام قاتل و جریان قتل مرحوم معطر در ستان السیاحه چنین آمده است: «به امر شاهي آن جناب را چوب زدند و فرج‌الله خان نسقی‌باشی چندان چوب و تبریز به سر آن سر حلقه اهل یقین زده که بعد از شش یا هفت روز جهان فانی را بدرود نموده، پستان السیاحه، ص ۵۰۵»

۲. فارسنامه ناصری، ج ۱/۲، ص ۱۸۲؛ مکرم الآثار، ج ۱/۱، ص ۱۰۳؛ ذبیحیه، ص ۳۳۳؛ طرائق الحقایق، ج ۳/۳، صص ۲۱۹-۲۲۰؛ ریاض العارفين، صص ۵۹۹-۵۹۷؛ حدیقة الشعراء، ج ۳/۳، صص ۵۵۲-۵۵۳؛ مجمع الفصحاء، ج ۶/۱، صص ۱۱۸۵-۱۱۸۶؛ تذکرة اعجاز، صص ۲۲۴-۲۲۰؛ سفینه النجوم، ج ۲/۲، ص ۵۱۲؛ مستدرکات ایمان الشیعه، ج ۳/۳، ص ۲۵۲؛ نزهت الاعجاز، صص ۶۰۷-۶۰۸؛ مرآت الفصحاء، صص ۶۷۵-۶۷۰؛ دیبانه جیشجو در تصوف ایران، صص ۳۳۶-۳۳۷؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۴/۴، صص ۵۵۵-۵۵۴؛ تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، صص ۶۶۹-۶۷۲؛ آفرینان، ج ۳/۳، صص ۷۱-۷۲؛ مناهل التحقيق، صص ۱۲۸-۱۲۹ (مقدمه).

۳. «این کتاب پاسخی است که آقا محمد هاشم شیرازی به پرسش یکی از ارادتمندان خود در باب آیه «الی الله تعصیر الامور» داده است». فصل بندی معمول در کتاب وجود ندارد ولی انسجام فکری و عرفانی در آن مشهود است. (مناهل التحقيق، ص ۸۶؛ با تلخیص). این اثر با تصحیح و مقدمه جامع و مفید دکتر یوسف نیری در سال ۱۳۸۲ و توسط انتشارات دریای نور شیراز به چاپ رسیده است.

۴. امثلیی است بالغ بر یک هزار و هفتصد بیت که در سال ۱۱۶۷ ق. سروده شده است. بسیاری از مباحث آن ←

۱۰۶۲ پرتوستان

ریاض العارفين مسطور است.<sup>۱</sup>

۱۰. پرتو: آقا محمد کازرونی<sup>۲</sup> -علیه الرحمة والمغفرة- از خلفای او بوده، در سن ده دوازده سالگی در شهر شیراز با معلم خود به خدمت او رسیدم، توجهی فرمود -رحمة الله- میرزا علیرضا و میرزا عبدالحسین کازرونی از فقرای آن عهد بوده‌اند.

۱۱. پرتو: زیدة السالکین آقا میرزا ابابای ابن میرزا عبدالنبی<sup>۳</sup> -رحمة الله علیه- الموسوم بمیرزا ابوالقاسم الحسینی -دام ظلله العالی- صبیبة زاده جناب آقا محمد هاشم ذهبی بوده، در شیراز به خدمتش رسیدم. هنوز در قید حیات است و مرجع آریاب طلب و کمالات امروز در آن سلسله علیه معروف و به صفات مشایخ موصوف است، اللهم احفظه.

۱۲. پرتو: آقا محمدرفی متخلص به نیاز<sup>۴</sup> فرزند جناب آقا محمد هاشم بوده، با فقیر التفاتی داشته، در شیراز در سنه ۱۲۳۴ [۱۵] مرحوم شد. غزلیات نیکو دارد.

۱۳. پرتو<sup>۵</sup> جناب مستطاب قدوة العارفين و قبلة الموحدين و اشرف الکاملین

→

با مناهل التحقيق مشابه است. [در پایان آن] سخن در سلسله اولیا و به‌ویژه اقطاب سلسله ذهبیه به ترتیب زمانی و در پایان مدخل سید قطب‌الدین نیریزی میر و سمرق آقا محمد هاشم. (مناهل التحقيق، صص ۱۰۴-۱۰۵). دو جاب از این منظومه وجود دارد: یکی به شکل سنگی در سال ۱۳۰۶ ق در تبریز و در انتهای کوثرنامه اثر راز شیرازی و دیگری در سال ۱۳۳۸ ش شامل کوثرنامه و دیوان راز، ولایت‌نامه و اشعار ریاض‌الدین زنجانی متخلص به اجویبه. (مناهل التحقيق، ص ۱۰۷؛ با تلخیص).

۱. ریاض العارفين، صص ۵۹۷-۵۹۹.

۲. ذی‌بیت الاعجاز، ص ۵۷۷.

۳. ریاض العارفين، صص ۲۳۶-۲۳۷؛ و بحالفة الادب، ج ۲، صص ۲۸۳-۲۸۴؛ ذهبیه، صص ۳۶۴-۳۸۵؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۱۶؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۲۵۶؛ حدیقة الشعراء، ج ۱، صص ۶۵۲-۶۵۳؛ الذریعه، ج ۹، ص ۳۴۶؛ ج ۲، ص ۳۰۹؛ ج ۱، ص ۶۹؛ فارسنامه ناصری، ج ۲، صص ۹۴۶-۹۴۸؛ مرآت الفصحاء، صص ۲۲۳-۲۲۴؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، صص ۵۵۹-۵۶۵؛ تاریخ عرفان و عارفان ایرانی، صص ۶۷۳-۶۷۴؛ آفرینان، ج ۳، ص ۷۵؛ بزرگان شیراز، ص ۳۷۲.

۴. ریاض العارفين، صص ۵۷۵؛ مجمع الفصحاء، ج ۶، ص ۱۰۳۷؛ مکرم الآثار، ج ۳، ص ۸۸۲؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۲۲۰؛ حدیقة الشعراء، ج ۳، ص ۱۹۲۷؛ مرآت الفصحاء، صص ۶۷۵-۶۷۶؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۵، صص ۷۵۱-۷۵۲.

۵. در حاشیه: «آن جناب بعد از وفات جناب میر عالم شاه هندی به شیراز آمده، اظهار خصوصیت و یتکانی بر آنداره به قدوة السالکین آقا محمد کازرونی -علیه الرحمة- می‌فرمودند و مراسلات فی‌مابین بود و مرحوم آقا کازرونی می‌فرمود: در مدت چهل سال سجاده‌نشین یک نفر دیدم که لله و فی‌الله به دیدن من آمد ←

متن مصحح محمدابراهیم ایرج‌پور

متن مصحح حسین نصیرباغبان

دوره سوم، سال دوم  
شماره یکم و دوم  
بهار - تابستان ۱۳۹۶

نقد و بررسی  
محمدابراهیم ایرج‌پور  
بازچاپ پرتوستان یا مصلاتی برای خورشید به گل آندون